

بازشناسی دعوت پیامبر ﷺ

*
حمید فغفور مغربی



چکیده

دعوت پیامبر ﷺ، همراه با برنامه‌ای منظم و دقیق در دو دوره صورت گرفته است. این دو دوره عبارتند از: دوره‌ی مخفیانه و دوره‌ی علنی. دعوت پیامبر ﷺ در راستای دو دوره‌ی یاد شده، مراحل چندی را طی نموده است. این مراحل عبارتند از:

مرحله‌ی اول خودسازی است، که پیامبر ﷺ با آیین تحنّف، به ساختن روح و روان خویش می‌پرداخته است.

مرحله‌ی دوم دعوت پنهانی سه ساله است، که در تداوم مرحله‌ی نخست

شکل گرفته، در این دعوت، از عناصر آماده، به شکل مخفی عضوگیری می‌شود و این اعضا، هسته‌ی اولیه‌ی پیروان را تشکیل می‌دهند. این گروه، از علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام آغاز شد تا به چهل تن رسید و عمدتاً در خانه‌ی ارقم بود.

مرحله‌ی سوم دعوت اقوام و خویشاوندان است؛ در سطحی وسیع‌تر که پس از نزول آیه‌ی مبارکه‌ی «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» آغاز گردید. این دعوت، با دعوت اهل مکه هم مورد شناسایی است.

مرحله‌ی چهارم دعوت جزیره‌ی العرب است، که آیه‌ی «لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا» (انعام، ۹۲ و شوری ۷) نوید بخش آن است. در راستای همین دعوت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طائف سفر می‌نماید و طائفیان را به آیین جدید دعوت می‌کند. در ادامه‌ی نوشتار، به علل و انگیزه‌های مخالفت قریش با دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته شده است؛ عللی همچون مخالفت آیین جدید با سنت‌های قبیله‌ای و جاهلی عرب، فرهنگ نوینی در برابر فرهنگ حاکم، ایستادن و نیز منافعی که از رهگذر سنت‌های جاهلی عاید سردمداران قریش می‌شد.

شیوه‌ی برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله در درون مکه، نکته‌ی قابل تأمل دیگری است که در این نوشتار به معرض بحث نهاده شده است. هجرت به مدینه و تکامل دعوت اسلامی و گرایش اهل یثرب به آیین جدید، تکاملی را در دعوت نبوی ایجاد نموده است و چگونگی هجرت بحث بسیار مهمی در تاریخ نبوی است، که به آن اشاره شده است.

مرحله‌ی پنجم مرحله‌ای است که دوران تکامل دعوت را نشان می‌دهد، یعنی دعوت در مدینه به عنوان پایگاه قدرت اسلامی، که همزمان با تشکیل دولت می‌باشد، اعمال و حرکت‌های مهمی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه انجام دادند، حرکت‌هایی همچون اعلام منشور حکومت، ایجاد حکومت، عقد اخوت و برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله با منافقان و یهود در این مرحله به بحث نهاده شده است. مرحله‌ی ششم اعلام جهاد و حرکت جهادی پیامبر صلی الله علیه و آله است که پیامبر صلی الله علیه و آله،

مبلغانی را در این مرحله به اقصی نقاط می‌فرستند و نیز در همین مرحله، رهبری آینده‌ی دعوت و حرکت اسلامی را مشخص می‌نمایند.

واژگان کلیدی: مخفیانه، علنی، مکه، مدینه، حکومت، اخوت، جهاد، تکامل.

مقدمه

از مطالعه در ظهور اسلام و گسترش آن می‌بایم دعوت پیامبر ﷺ همراه با برنامه‌ای دقیق و طراحی شده بوده است. به ویژه مطابقت این دعوت با نزول تدریجی قرآن طرح الهی را در مسیر این نهضت عظیم نشان می‌دهد.

مورخان و محققان تاریخ اسلام دعوت پیامبر را غالباً به دو مرحله‌ی دعوت مخفی و دعوت علنی تقسیم کرده‌اند و گاه از دو مرحله‌ی مکی و مدنی سخن گفته‌اند؛ همچون قرآن که سور مکی و مدنی دارد و با توجه به ویژگی‌های سور مکی و مدنی مراحل دعوت پیامبر ﷺ را تبیین نموده‌اند. دوره‌ی مکه آیات کوتاه و اصول عقاید است که عموماً دوره‌ی خودسازی است و دوره‌ی مدینه آیات مفصل و فروع است، که عموماً دوره‌ی جامعه‌سازی و حکومت است.

نگارنده با واکاوی دوباره به این نتیجه رسیده که مراحل دعوت پیامبر ﷺ حداقل دارای شش مقطع مشخص از نظر کیفی و ویژگی‌های آن می‌باشد و رویکرد کاربردی به آن می‌تواند درس‌هایی فراوان برای جوامع اسلامی داشته باشد.

مراحل دعوت پیامبر اسلام ﷺ

تاریخ بشری و تجربیات نهضت‌ها و انقلاب‌های بزرگ بشری نشان می‌دهد که همه‌ی حرکت‌ها و نهضت‌ها دارای مراحل بوده‌اند تا ابتدا به پیروزی و سپس به تثبیت رسیده‌اند.

انقلاب عظیم الهی اسلام نیز از این قاعده و سنت اجتماعی تبعیت نموده است.

دلایل نزول تدریجی قرآن، علاوه بر جنبه‌ی الهی بودن و راز و رمزهای نهفته‌ی آن مبین آن است که این حرکت به تدریج باید از مراحل عبور نماید تا به کمال خود دست یابد و با توجه به این که سیر نزولی قرآن متناسب با مراحل دعوت پیامبر ﷺ بوده است که شأن نزول آیات، مبین آن است و همه‌ی مفسران اتفاق نظر دارند بدون شناخت شأن نزول (اسباب نزول)، که تاریخ نزول تدریجی قرآن است، فهم جامع از قرآن ممکن نیست (طباطبایی، ۱۱۷ و ۱۱۸) و به همین دلیل امام علی علیه السلام در برتری علم خود، یعنی عالم‌تر بودن از دیگران، به آگاهی کامل از اسباب نزول استناد می‌کند (بحرانی، بی تا، ۱۷).

می‌توان این مراحل را چنین مرزبندی نمود. مرحله‌ی اول دعوت درونی و فردی پیامبر ﷺ، که مخفی بوده است و نزدیکان خاص او می‌دانسته‌اند. مرحله‌ی دوم دعوت بیرونی و اجتماعی پیامبر ﷺ است، که مخفی بوده است و کمی مطلع بوده‌اند. مرحله‌ی سوم، دعوت اجتماعی اقوام و خویشان و در مکه بوده است. مرحله‌ی چهارم دعوت بیرونی و اجتماعی و علنی و در مکه و جزیره‌العرب بوده است. مرحله‌ی پنجم دعوت اجتماعی و علنی گسترده‌تر جزیره‌العرب، ولی از مدینه بوده است. مرحله‌ی ششم دعوت جهانی پیامبر ﷺ می‌باشد.

البته باید یادآور شد همان‌طور که استاد مطهری می‌نویسد:

آنچه بیش از همه در خور اهمیت و قابل توجه است، دعوت‌هایی است که در همه‌ی ابعاد، پیش‌روی داشته است؛ هم سطح بسیار وسیعی را اشغال کرده و هم قرن‌های متمادی در کمال اقتدار حکومت کرده و هم تا اعماق روح بشر ریشه دوانده است. این گونه دعوت‌های سه بعدی مخصوص سلسله‌ی پیامبران علیهم السلام است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۳، ۱۱ و ۱۲).

به همین دلیل برخی از محققان بر این باورند که تاریخ نگاری و سیره نویسی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدون توجه به این بعد قابل قبول نیست، و روش علمی بدون توجه به جنبه‌ی وحیانی را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

حسین هیکل در مقدمه‌ی کتاب حیات محمد می‌گوید: من آنچه را که

کتب سیره و حدیثی ثبت و ضبط کرده‌اند ملاک و مأخذ قرار نمی‌دهم، زیرا ترجیح می‌دهم که در این باره روند خود را بر طبق روش علمی تنظیم نموده و با آن هماهنگ سازم (حجتی، ۱۳۷۱، ۶۴).

کسی که خویشتن را ملزم می‌سازد سیره‌ی نبوی و یا امامی را فقط از زاویه‌ی ابعاد محض انسانی منهای جنبه‌ی نبوت و یا امامت مورد مطالعه و بررسی قرار دهد... آنهم به دور از هویتی که پیامبر ﷺ و یا ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام خود را بر اساس آن هویت به دنیا عرضه داشتند، ناگزیر است خود را در میان تنگنای لغزها و معماهای کوری زندانی کرده که با هیچ‌گونه تحلیلی نمی‌تواند راهی برای رهایی از این لغزها و حل آنها فراسوی خویش بیابد (همان، ۷۰).

البته فهم دقیق سیره‌ی نبوی بر دو محور است:

- ۱) توجه به رسالت و شخصیت الهی و وحیانی پیامبر ﷺ؛
- ۲) دارا بودن موضع علمی و روش‌مندی پژوهش‌های تاریخی.

مرحله‌ی اول: خودسازی

در این مرحله نقش وراثت و محیط ویژه‌ی خاندان پیامبر ﷺ از اهمیت خاصی برخوردار است. تحنّف و خودسازی، رفتن به غار حراء (ابن ابی‌الحدید ۳، ۱۳۷۹، ۲۵۰)، عبادت‌ها و روزه‌ها که همان جهاد با نفس بوده است که انعکاس در شخصیت فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد. قرآن این مرحله از سازندگی انسان را تزکیه و تقوانامیده است. پیامبر ﷺ در این دوره کم‌تر در جامعه است؛ او به چوپانی مشغول است و چوپانی شرایطی است که تنهایی و تفکر را همراه دارد.

این قاعده‌ای است که همه‌ی انسان‌های بزرگ تاریخ دو مرحله را طی می‌کنند؛ مرحله‌ی اول به خودسازی و جهاد درونی و کسب آمادگی‌های لازم می‌پردازند و در مرحله‌ی دوم حرکت اجتماعی را پایه‌گذاری می‌کنند و به میزان کیفیت مرحله‌ی اول تأثیرگذارند، زیرا مرحله‌ی اول زیربنای مرحله‌ی دوم است.

مرحله ی دوم: دعوت مخفی

دعوت پنهانی سه ساله (یعقوبی ۱، ۱۳۶۳، ۳۷۹) پس از آمادگی و گذر از مرحله ی اول آغاز می شود. ویژگی های این مرحله به شرح زیر است:
اولاً کسانی که آمادگی دارند انتخاب و عضوگیری می شوند.
ثانیاً مخفی بودن آن به علت آن است که جان مسلمانان به خطر نیفتد و حرکت خفتی نشود.

ثالثاً تعداد به حد کافی برسد تا زمینه ی مرحله ی بعد فراهم شود و بنیه ی مسلمانان تا حدی تقویت شود تا بتواند دعوت علنی را آغاز نماید.

حاصل حرکت پیامبر ﷺ در این مرحله عبارت است از:

۱) سه سال طول کشید که چهل نفر مسلمان شدند (طبرسی ۷، بی تا، ۲۰۶) و ده نفر از آنان زن بودند و نشان می دهد که حرکت اسلام از آغاز به زنان و نقش آنان توجه داشته است.

۲) اولین زن خدیجه رضی الله عنها و اولین مرد علی رضی الله عنه بودند. سومین نفر غلامی است به نام زید بن حارثه (یعقوبی ۱، ۱۳۶۳، ۳۷۹ و سیره النبی ۱، ۱۴۰۹ هـ، ۲۲۶)، او اسیری بود که به خدیجه بخشیده شده بود. بعدها پیامبر ﷺ او را آزاد کرد و وقتی که پدرش از شام به دنبال زید آمد او ترجیح داد که نزد پیامبر ﷺ بماند و پدرش در حالی که مسلمان شد شادمان به شام بازگشت (آیسی، ۱۳۶۲، ۷۸). پیامبر ﷺ طی مراسمی در کنار خانه ی خدا رسماً او را فرزند خوانده ی خود معرفی کرد و بعدها در پیشرفت اسلام نقش مهمی داشت.

پیامبر ﷺ پس از اندازی که در آغاز سوره ی مدثر بدان مأمور گشت از خانه ی خود آغاز می کند. بر طبق آموزه های دینی و الگو بودن پیامبر ﷺ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) همه رفتارهای پیامبر ﷺ باید مورد عمل مسلمانان قرار گیرد. یعنی مسلمانان باید در آغاز خودسازی کنند و سپس به خانواده ی خود و آنگاه اقوام و خویشان و در مرحله ی بعد به سایر مردم توجه نمایند.

۳) مبنای حرکت بعدی پیامبر ﷺ بر چهل نفر اولیه به خصوص سه نفر اول قرار

داشت. خدمات علی علیه السلام و فداکاری خدیجه علیها السلام، به ویژه در شعب ابوطالب، و نقش زید، که حدود ۱۲ سربه را رهبری کرد و در سربهی موته شهید شد، قابل توجه بوده است. در این دوران پیامبر صلی الله علیه و آله خانه‌ی «زید بن ارقم» در مکه را پایگاه دعوت خود قرار داده بودند.

مسن بودن، مرد بودن و آزاد بودن از ملاک‌های برتری عرب در دوران جاهلیت بود.

ایمان علی علیه السلام به عنوان نوجوان، و زن بودن خدیجه علیها السلام و برده بودن زید نشان‌دهنده‌ی نظام جدیدی است که از آغاز با نظام جاهلیت در تضاد آشکار بوده است. به همین دلیل شاهد پیوستن اکثر بردگان و مستضعفان به این نهضت الهی هستیم.

البته جاهلیت یک فرهنگ است که علاوه بر بت پرستی، تعصبات قبیله‌ای و خشونت، جنبه‌های مثبتی هم داشت مانند شجاعت و مهمان نوازی. ولی جامعه‌ی جاهلی بسیار منجمد و عقب مانده است که حتی مصلحانی همچون عبدالمطلب نتوانستند تحول بزرگی در آن پدید آورند. به همین دلیل خداوند پیامبران صلی الله علیه و آله را در بدترین جامعه‌ها مبعوث نموده تا تحول ایجاد کنند، که می‌تواند الگوی همه‌ی جوامع قرار گیرد.

مرحله‌ی سوم: دعوت اقوام و خویشان

دعوت علنی اقوام و خویشان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مکه بود که بر مبنای فرمان خدا و قرآن «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» (حجر، ۹۴) و آنچه مأمور شده‌ای اعلام کن و سپس «وَ اَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء، ۲۱۴) نزدیکان خانوادگی خود را انداز ده، آغاز شد. به طور طبیعی با توجه به شناختی که از صداقت و امانت و بزرگواری ایشان داشتند احتمال پذیرش از سوی اقوام بیشتر بوده است و حمایت قبیله، که اقوام خود پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، بیشتر از دیگران بود. و این در مورد همه‌ی انبیای الهی صلی الله علیه و آله بوده است که دعوت را از اقوام و خویشان خود شروع کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله اقوام و خویشان را سه روز غذا صلی الله علیه و آله داد و روز سوم فرمود. آیا کلمه‌ای به شما

بگویم که به وسیله‌ی آن عرب و عجم را فرمان‌روا شوید و آنها اطاعت شما کنند؛ وارد بهشت شوید و از دوزخ نجات یابید؟ آن ایمان به خدا و گواهی بر پیامبری من است (مفید، ۱۳۷۷، ۳۴). در این جلسه فقط علی علیه السلام ایمان آورد (ابن ابی الحدید ۱۴، ۱۳۷۹، ۸۴). مسأله‌ی جانشینی همان‌جا، به طور خصوصی برای بنی‌هاشم مطرح شد، که اولین کسی که ایمان بیاورد، برادر، وصی و خلیفه‌ی بعد از من است؛ «فأیکم یوازی علی هذا الامر علی ان یکون اخی و وصیی و خلیفتی فیکم» (طبری ۱۹، ۱۴۰۶ هـ، ۶۸). اقوام و خویشان در حالی که او را مسخره می‌کردند جلسه را ترک نمودند.

مرحله‌ی چهارم: دعوت جزیره‌العرب در مکه

این مرحله نیز ابتدا از مکه و سپس اطراف آن آغاز شد و سپس سایر عرب‌ها را در بر گرفت؛ «لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا» (انعام، ۹۲ و شوری، ۷).

زمینه‌ی این دعوت به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله، که خود مهم‌ترین و مشهورترین قبیله بود و از طرفی از نظر شخصیتی مشهور به امین بود، فراهم شده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از مدتی قریش را در کنار کوه صفا جمع نموده فرمود: «قولوا لا اله الا الله تغلحوا». عکس‌العمل قریش این بود که او را مسخره کردند و آزار دادند. به ابوطالب رضی الله عنه پیام دادند، محمد هر چه بخواهد می‌دهیم، ریاست، پول و دختری از قریش؛ به شرطی که دین پدران ما را مسخره نکنند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر خورشید را در یک دست و ماه را در دست دیگر من بگذارند تا دست از دعوت خود بردارم، چنین کاری نخواهم کرد» (سیره‌النبی ۱، ۱۴۰۹ هـ، ۲۳۷) و این خود شدت ایمان پیامبر صلی الله علیه و آله و عزم قاطع به رسالت خود را نشان می‌دهد. نخستین کسی که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت اسلام را علنی کرد، عبدالله بن مسعود بود که در مسجدالحرام سوره‌ی الرحمن را خواند و قریش بر سر او ریختند و او را کتک زدند (سیره‌النبی ۱، ۱۴۰۹ هـ، ۲۶۳). سران قریش تصمیم به آزار و شکنجه‌ی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله گرفتند. عمار، یاسر، سمیه، بلال را شکنجه می‌کردند تا حدی که یاسر و سمیه در زیر شکنجه شهید شدند.

پیامبر ﷺ در این هنگام در حمایت بنی هاشم بود که رهبری آن با ابوطالب رضی الله عنه بود و حتی ابولهب دو پسرش در حال ازدواج با دو دختر پیامبر رضی الله عنه بودند که آنها را منع کرد. با پیوستن حمزه رضی الله عنه به مسلمانان قدرت مسلمانان بیشتر شد و قریش ناچار شدند اندکی از آزار محمد دست بردارند (سیره النبی ۱، ۱۴۰۹ هـ، ۲۶۳). علاوه بر آن پیامبر رضی الله عنه همه ی قبایل عرب را در ایام حج دعوت به اسلام می نمود، قریش به فکر افتادند که با استفاده از داستان سرایان که در باره ی پادشاهان داستان سرایی می نمودند (سیره النبی ۱، ۱۴۰۹ هـ، ۳۷۵)، مانع اندیشیدن مردم به حقایق شوند. رفته رفته عکس العمل قریش شدیدتر می شد. پیامبر رضی الله عنه به این نتیجه رسید که فرمان هجرت به حبشه را صادر کند. در سال پنجم بعثت اولین گروه، که ۱۲ مرد و ۴ زن بودند، به حبشه رفتند. پس از تثبیت موقعیت آنها در سال ششم بعثت دومین گروه، که ۸۳ مرد و ۱۸ زن بودند، به حبشه هجرت کردند. احتمال دارد انتخاب حبشه یکی به دلیل حاکم عالم آنجا بوده باشد و دیگر این که جایی بوده که تحت نفوذ روابط قریش نبوده است.

قریش به ناچار گروهی را با هدایای زیاد نزد نجاشی، پادشاه حبشه، فرستاده و گفتند آنها که نزد شما آمده اند عده ای از اراذل هستند که دین اجداد ما را مسخره کرده و به حبشه فرار کرده اند، آنها را تحویل دهید. نجاشی در جلسه ی بحثی که با حضور هیئت قریش و مسلمانان به نمایندگی جعفر بن ابی طالب برگزار شد، حقانیت مسلمانان را تصدیق کرده و هیئت قریش را بیرون کرد (سیره النبی ۱، ۱۴۰۹ هـ، ۳۵۶ به بعد).

ولی قریش دست از مخالفت بر نداشت و در یک جلسه سران قریش تصمیم به تحریم گوش دادن به قرآن نمودند. به واسطه ی عدم قبول نجاشی در برگرداندن مسلمانان، سران قریش دست به عکس العمل شدیدتری زدند و آن محاصره ی اقتصادی بنی هاشم بود. بنی هاشم، به جز ابولهب، به ناچار در شعب ابوطالب، حدود ۴ کیلومتری خانه خدا رفتند (یعقوبی ۱، ۱۳۶۳، ۳۸۹). این دوران که از آغاز سال هفتم بعثت بود، دورانی بود که اثرات سازندگی بالایی بر مسلمانان داشت. این محاصره شدیدترین فشاری بود که یک قبیله ی بزرگ

می توانست به یکی از تیره های کوچک خود وارد کند. به هر حال این محاصره بیشتر باعث مظلوم واقع شدن بنی هاشم در میان قبایل قریش شد و بعضی قبایل، پنهانی، پیمان را شکستند و مواد غذایی به آنها می رساندند تا این که پیامبر ﷺ به وسیله ابوطالب خبر از خورده شدن قرارداد به وسیله موربانه داد و پیمان محاصره عملاً و قانوناً لغو شد. زیرا ابوطالب به آنها خبر داد و گفت اگر دروغ بود محمد ﷺ را به شما تحویل می دهم و آنها قبول کردند اگر راست بود دست از محاصره بردارند (یعقوبی ۱، ۱۳۶۳، ۳۸۹) و چون راست بود، دست از محاصره برداشتند. دو ماه پس از پایان محاصره ی اقتصادی رحلت خدیجه ﷺ و ابوطالب ﷺ در سال دهم که احتمالاً فشارهای دوره ی محاصره عامل آن بوده باشد، ضربه ی مهمی بر پیامبر ﷺ بود و آن سال را عام الحزن نامیدند (یعقوبی ۱، ۱۳۶۳، ۳۹۳). به هر حال با رحلت ابوطالب ﷺ طبق روابط قبیله ای، رهبری قبیله ی بنی هاشم به ابولهب رسید. بنابراین پیامبر ﷺ پشتیبانی رهبری قبیله ی بنی هاشم و در نتیجه بخشی از قبیله ی بنی هاشم را از دست داده بود و در نتیجه گستاخی قریش بیشتر شد. این بود که مکه جای ماندن برای پیامبر ﷺ نبود و به طائف هجرت نمود.

هجرت به طائف

طائف در ۱۲ فرسخی جنوب شرقی مکه واقع شده است و از بیلاقات مکه محسوب می شد و سران قریش در آنجا باغ های میوه از جمله باغ های انگور داشته و شراب تهیه می کردند. پس از فوت ابوطالب ﷺ و تغییر رهبری بنی هاشم، گویی جایی برای پیامبر ﷺ در قبیله نیست. پیامبر ﷺ در طائف، با توجه به وابستگی با مکه، نه تنها حمایت نشد، بلکه رهبران آنجا بردگان و کودکان را وادار کردند که با اذیت و پرتاب سنگ، پیامبر ﷺ را اخراج کنند. بعدها پیامبر ﷺ از این حادثه به عنوان تلخ ترین حوادث دوره ی مکه یاد می کند. پیامبر ﷺ در حالی که از پاهایش خون می چکید، به خارج طائف رفت و در سایه ی دیوار باغی نشست که صاحب باغ غلامی داشت به نام عداس و او از

سخنان و رفتار پیامبر ﷺ مسلمان شد (یعقوبی ۱، ۱۳۶۳، ۳۹۵-۳۹۴). هجرت به طائف نتایج داشت.

۱) طائف، به علت نزدیکی به مکه و باغ‌های بعضی تجار مکه، عملاً وابسته به مکه بود.

۲) به فکر مرکز دیگری افتادند که دور از مکه و مستقل از مکه باشد.

۳) انتخاب مرکز جدید با تسهیلات لازم. این سه مورد تجربه در هجرت به مدینه مورد استفاده قرار گرفت.

علل و انگیزه‌های مقاومت قریش در برابر پیامبر ﷺ

۱) اصول و نظام دین جدید بر خلاف اصول و ضوابط نظام جاهلیت عرب بود. در نظام جاهلیت ملاک برتری سن، ثروت و فرزند بیشتر بود. در اسلام ملاک برتری ایمان، تقوا، عمل صالح است. همچنین پیام مساوات و برادری اسلام خلاف نظام جاهلیت بود و موجب جذب بردگان شد.

۲) به طور کلی از نظر روانی برای قریش دست برداشتن از افکار اجداد و فرهنگ خاص خودکاری دشوار بود و مقاومت آنها بیشتر روانی بود. بت‌ها در نظام جاهلیت مظهر افکار، عقاید، ارزش‌های قبیله، پیروزی قبیله و اقوام قبیله بود. توهین به بت‌ها برای آنها قابل تحمل نبود. ابن اسحاق و یعقوبی اتفاق نظر دارند که پیامبر ﷺ از زمانی که خدایان آنها را مورد عیب جویی قرار داد و پدران آنها را کافر خوانده بود، آزار خود را شروع کردند و جنگ‌های متعدد راه انداختند (یعقوبی ۱، ۱۳۶۳، ۱۳۷۹).

۳) در جاهلیت، مردم نذرها و هدایای خود را به بت‌ها نثار می‌نمودند و اکنون از رونق می‌افتاد.

۴) وجود روابط قبیله‌ای و رقابت بین آنها و نگرانی بعضی قبایل قریش مثل بنی‌امیه، که رهبری سیاسی و اقتصادی قریش را داشتند، از قرار گرفتن بنی‌هاشم در رهبری قریش بود.

شیوه‌ی برخورد پیامبر ﷺ در دوران مکه

دوران مکه تکوین عقاید دینی مسلمانان محسوب می‌شود و پیامبر ﷺ با کمک قرآن توانست نظام ارزشی جامعه که بر جاهلیت استوار بود را زیر سؤال برده و چالش جدی برای مشرکان ایجاد نماید تا جایی که تردید در جوانان به وجود آورد.

(۱) پیامبر ﷺ در مکه با افراد و قبایل گوناگون تماس می‌گرفت و دعوت خود را عقلانی مطرح نموده و مبانی دین خود را به طور استدلالی تبیین می‌نمود و گاه با بحث و گفتگوی متقابل و مناظره با مخالفان آنها را به تسلیم وامی‌داشت.

(۲) مهم‌ترین عاملی که مقاومت قریش را ضعیف می‌کرد، محبت و لطف فوق‌العاده‌ی پیامبر ﷺ بود. حتی پیامبر ﷺ زمانی که مکه دچار قحطی شد اموالی را از مدینه به مکه فرستادند تا بین اهل مکه تقسیم شود.

(۳) عامل دیگر، فطری بودن اسلام بوده که تا اعماق روح آنها نفوذ می‌کرد و دل و عقل آنها را تحت تأثیر قرار می‌داد، در حالی که سال‌ها قبل از ظهور اسلام، آیین‌های یهود، مسیحیت و زرتشت به حجاز راه یافته بود، ولی مشرکین اهمیت نمی‌دادند و ابوسفیان می‌گفت ما نیاز به دین آنها نداریم و ترسی هم نداریم و به عکس از آغاز بعثت پیامبر ﷺ احساس خطر کردند (شریعتی، ۱۳۷۶، ۲۳۲). البته اسلام و پیامبر ﷺ در برابر عقاید آنها موضع‌گیری آشکار و شفاف داشتند.

(۴) پیامبر ﷺ در دوران مکه در برخورد با مشرکان قریش، که یاران پیامبر ﷺ را شکنجه می‌نمودند، مسلمانان حق مقابله و عکس‌العمل نداشتند و بر مظلومیت مسلمانان تکیه می‌نمود تا دشمن رسواتر و از درون، از هم پاشیده شود و یاراتش را در این شرایط دشوار دعوت به صبر می‌نمود و وعده‌ی پیروزی می‌داد.

(۵) در این دوران دشمن با تمسخر، تهدید، تطمیع و ساحر خواندن پیامبر ﷺ به جنگ روانی دامن می‌زدند، ولی پیامبر ﷺ با اخلاق کریمانه و جاذبه‌ی آیات وحی با آنها برخورد می‌نمود و جوانان را جذب می‌کرد.

(۶) رفتار پیامبر ﷺ با مسلمانان در تمامی دوره‌ها به گونه‌ای بود که شیفته‌ی ایشان شده بودند و به راستی حکومت و رهبری و فرماندهی و مدیریت در اسلام فتح قلوب است، نه اعمال روش‌های خشونت جویانه.

هجرت به مدینه

در سال یازدهم بعثت شش نفر از مردم یثرب در مراسم حج که پیامبر ﷺ بیشتر به تبلیغ می‌پرداختند، مسلمان شدند. در سال دوازدهم بعثت در مراسم حج ۱۲ نفر از مردم یثرب به نمایندگی در محلی به نام «عقبه» (گردنه‌ای بین مکه و منی) با پیامبر ﷺ ملاقات کردند و پیمانی بستند که مضامین آن این بود: به خدا شرک نورزید، دزدی نکنید، فرزندان خود را نکشید، کارهای زشت مرتکب نشوید. آنها قبول کردند و قسم خوردند در برگشت به یثرب دین اسلام را مخفیانه تبلیغ کنند و پیامبر ﷺ نیز مصعب بن عمیر را به عنوان نماینده خود فرستاد تا به آنها نماز و قرآن آموزش دهد (یعقوبی ۱، ۱۳۶۳، ۳۹۷).

مصعب سال بعد به مکه آمد و به پیامبر ﷺ خبر مسلمان شدن بسیاری را داد، پیامبر ﷺ خوشحال شدند. در سال سیزدهم بعثت ۷۳ نفر در محل عقبه‌ی پیمان عقبه دوم را امضاء کردند. از طرف قبیله‌ی پیامبر ﷺ عباس عموی پیامبر ﷺ و از طرف مردم مدینه نمایندگان آنها در این پیمان بودند. عباس گفت: مردم یثرب، قبیله بنی‌هاشم از جان محمد تا به حال دفاع کرده، اگر می‌خواهید با شما به مدینه بیاید، در دفاع از جان او بیعت کنید. آنها قبول کردند (همان). و این بیعت را بیعة‌الْحَرَب نیز گفته‌اند. پس از این در سال سیزدهم بعثت پیامبر ﷺ فرمان هجرت مخفیانه به مدینه داد.

هجرت را می‌توان از ویژگی‌های حرکت اسلام و پیامبر ﷺ آن دانست، دوبار هجرت به حبشه، یک‌بار هجرت پیامبر ﷺ به طائف و سرانجام هجرت اصلی به مدینه. دعوت مسلمانان به هجرت برای تحصیل علم و تجارت نشانه‌ی توجه به موضوع هجرت است. بعضی پیدایش تمدن‌ها را پس از یک هجرت بزرگ دانسته‌اند که به صورت یک قانون در جامعه شناسی تاریخی مطرح است (شریعتی ۱، ۲۴۳).

باید گفت که هجرت به مدینه بود که گسترش وسیع نهضت اسلامی را میسر کرد و برای همین به پیشنهاد امام علی علیه السلام مبدأ تاریخ در اسلام قرار گرفت.

دلایل پذیرش اسلام و پیشرفت اسلام در یثرب

مکه علی‌رغم آن که شهر پیامبر ﷺ بوده و او را به خوبی می‌شناختند و مشهور به صداقت و امانت بود، به دلیل شرایط خاص آن و استحکام نظام جاهلی و رقابت شدید قبایل نتوانست بستر توسعه‌ی اسلام باشد و بنابراین پیامبر ﷺ نمی‌توانست در آنجا نظام اجتماعی اسلام را بنا نماید، زیرا آنها دائماً به فکر مقابله و عکس‌العمل در برابر پیامبر ﷺ و مسلمانان بودند.

این دلایل را باید در ویژگی‌های شهر یثرب و مردم آن جستجو کرد:

الف - یثرب دور از مکه و در نتیجه مستقل از مکه و قریش بود.

ب - دو قبیله‌ی بزرگ آنها اوس و خزرج از جنگ خسته شده، به دنبال آشتی و رهبری فردی خارج از دو قبیله بودند و در این مورد عبدالله بن ابی را مشترکاً پذیرفته بودند و برای او سفارش تاجی را داده بودند که رهبر آنها باشد و این قبایل از نظر نژادی اعراب جنوبی محسوب می‌شدند و روحیه‌ی خشک اعراب شمالی، که قرآن شدت در کفر و نفاق را بدان نسبت می‌دهد (توبه، ۹۷) را نداشتند.

ج - سه قبیله‌ی یهود در آنجا بیشتر کار زرگری (بنی قریظه) و کشاورزی (بنی نضیر و بنی قینقاع) داشتند و یهود کسی را به دین خود نمی‌پذیرفت.

د - یثرب شهر کشاورزی بود و زمین‌های حاصلخیزی داشت و دارای آب بود. با مهاجرت یهودیان، که در پرورش درختان خرما مهارت داشتند، کشاورزی آنها پیشرفته شد. اکثر مردم یثرب بت پرست بودند و بت بزرگشان منات بود، ولی مکه شهری تجاری بود، به همین دلیل در مکه اختلاف طبقاتی بیشتر و وابستگی به طبقه‌ی اشراف و تجار افزون‌تر بود، ولی در یثرب به علت کشاورزی و دام‌پروری اختلاف طبقاتی کم‌تر از مکه بود.

ه - همچنین مکیان در تجارت با اقوام و ملل دیگر در تماس بودند و دغل‌کاری خاصی پیدا کرده بودند، ولی مردم مدینه از صدق و صفای فطری بیشتری برخوردار بودند، زیرا با ملل دیگر در تماس نبودند.

و - اهل یثرب بشارت ظهور پیامبری در میان عرب را از یهود شنیده بودند که به

زودی پیامبری ظهور می‌کند و در نتیجه با فهمیدن پیامبری محمد ﷺ زودتر ایمان آوردند (یعقوبی ۱، ۱۳۶۳، ۳۹۶).

ز - مکه ساختار اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های جاهلیت داشت و به لحاظ فرهنگی شکل گرفته بود، ولی ساختار اجتماعی مدینه محکم نبود و آمادگی بیشتری داشت.

توطئه دارالندوه

دارالندوه مجلس شورای قریش بود که در مسائل مهم تصمیم‌گیری می‌کرد. قصی بن کلاب، جد چهارم پیامبر ﷺ، این مرکز را ساخت و شرط عضویت در آن سن بیشتر از چهل سالگی بود و در ضمن از رؤسای قبایل یا افراد مهم قبایل باشند. سران قریش در سال سیزدهم بعثت با اطلاع از هجرت مسلمانان در این مرکز جمع شدند و تصمیم نهایی خود را گرفتند و آن این بود: ۴۰ جوان از ۴۰ قبیله، متحداً، به پیامبر ﷺ یورش آورده و او را از بین ببرند تا بنی‌هاشم از چهل قبیله نتواند انتقام بگیرد و به دیه (خون بها) راضی شود و حتی پس از ناامیدی از دسترسی به پیامبر ﷺ برای دستگیری پیامبر ﷺ صد شتر جایزه اعلام کردند.

دلایل توطئه‌ی قتل پیامبر ﷺ

الف - هجرت مسلمانان به یثرب باعث قدرت‌مند شدن مسلمانان می‌شد و از ضربه‌ی قریش مصون می‌ماند.

ب - به پایگاه مستقل دست می‌یافتند.

ج - خطر انتقام مسلمانان از قریش وجود داشت.

د - راه‌های تجاری قریش به سوی شام ممکن بود ناامن شود، زیرا راه‌های تجاری شام از مدینه می‌گذشت.

پیامبر ﷺ جریان توطئه را از طریق وحی مطلع شد. قریش نیز با برنامه‌ی قبلی خانه‌ی رسول خدا ﷺ را در اول شب محاصره کردند و پیامبر ﷺ علی را به جای خود قرار داد تا امانت‌های مردم را به آنان برساند. جالب است که امانت‌ها

مربوط به مشرکین بود و این نشانه‌ی امانت و صداقت فوق‌العاده‌ی پیامبر ﷺ بود که حتی مشرکین به ایشان اعتماد داشتند. پیامبر ﷺ، پس از هجرت مسلمانان، از آخرین نفرات مهاجرین می‌باشند.

چگونگی هجرت پیامبر ﷺ در سال سیزدهم بعثت

(۱) پیامبر ﷺ با ابوبکر بر خلاف مسیر عادی مدینه، که از شمال مکه باید عبور کنند، به طرف جنوب رفته و سه روزی در غار ثور با ابوبکر پنهان می‌شوند (یعقوبی ۱، ۱۳۶۳، ۳۹۸).

(۲) قرار شد امام علی علیه السلام در مکه بماند و در بستر پیامبر ﷺ بخوابد و نیز امانت‌ها را برگرداند و با گروهی از زنان بنی‌هاشم و از جمله فاطمه، دختر پیامبر علیه السلام، به مدینه هجرت کند (یعقوبی ۱، ۱۳۶۳، ۳۹۸).

مرحله‌ی پنجم: دوران دعوت جزیره‌العرب به اسلام در مدینه

اکنون مسلمانان، به عنوان یک قدرت مستقل، در منطقه بودند. این دوران، دوران حکومت پیامبر ﷺ و دوران جامعه‌سازی بود و آیات مدنی قرآن در این رابطه است.

مهم‌ترین اقدامات پیامبر ﷺ پس از هجرت به یثرب

با ورود پیامبر ﷺ در اول ربیع‌الاول به یثرب، نام آن به مدینه‌النبی یا شهر پیامبر ﷺ تغییر یافت و پیامبر ﷺ اقدامات زیر را انجام داد:

(۱) ساختن مسجد؛

(۲) برپایی نماز و نماز جمعه؛

(۳) تشکیل دولت.

ساختن مسجد

ابتدا مسجد قبا در نزدیکی مدینه و سپس مسجدالنبی ساخته شد. مسجد کانون و

پایگاه همه‌ی حرکت‌های عبادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی پیامبر ﷺ و اسلام قرار گرفت. پیامبر ﷺ در آغاز ورود به مدینه در قبا ماند تا علی رضی الله عنه به همراه عده‌ای از زنان بنی‌هاشم به او پیوندند. در مسیر حرکت از قبا به مدینه، قبایل گوناگون خواستار حضور پیامبر ﷺ در میان خود شدند، پیامبر ﷺ فرمود: شتر من مأمور است هر جا زانو زند همان جا می‌مانیم. تا این که شتر از قبایل گوناگون عبور و در انتهای مدینه در زمینی که متعلق به دو یتیم بود، در مقابل خانه ابو ایوب انصاری، فقیرترین مرد مدینه، زانو زد.

پیامبر ﷺ تا ساخته شدن خانه و مسجد در منزل ابو ایوب زندگی می‌کرد. در ساخت مسجد، پیامبر ﷺ مثل بقیه به طور کامل شرکت داشتند (سیره‌النبی ۱، ۱۴۰۹ هـ، ۴۷۵). در ساختن مسجد حوادث کوچک و بزرگی در کنار آن مطرح بود. از جمله ماجرای عمار است که چون می‌بیند عثمان و عده‌ای اشراف در کنار ایستاده‌اند و به عصا تکیه داده‌اند، شعری که مضمون کنایه به آنها را داشت زمزمه می‌کند. عثمان متوجه می‌شود و به او توهین می‌کند (سیره‌النبی ۱، ۱۴۰۹ هـ، ۴۷۶ و ۴۷۷). عمار شکایت به پیامبر ﷺ می‌برد که این‌ها نزدیک است مرا بکشند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «تقتلك فئة باغية» گروهی تجاوزگر تو را می‌کشند، تا این که در جریان جنگ صفین به شهادت می‌رسد. پیامبر ﷺ دستور می‌دهد خانه‌ی ایشان متصل به مسجد ساخته شود و بعد از ازدواج فاطمه رضی الله عنها و علی رضی الله عنه خانه‌ی آنها هم متصل به مسجد باشد و درب آن به داخل مسجد باز شود و پیامبر ﷺ برای هیچ کس دیگری چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. این نشانه‌ی شخصیت والای آنهاست. پس از ساخته شدن مسجد مقرر شد بلال، که برده‌ی سیاهی بود، مؤذن مسجد باشد، که به معنای سخن‌گوی پیامبر ﷺ محسوب می‌شد. نقش مسجد در ایجاد الفت بین مسلمانان، به خصوص قبایل متفرق مهاجرین و انصار، بسیار مهم بود و در وحدت جامعه‌ی اسلامی و بسیج مسلمانان و نیز در بالا بردن سطح فکری و فرهنگی مسلمانان و همچنین سازندگی معنوی، نقش اصلی را داشته و دارد. این عنصر با توجه به قومیت‌ها و ملل گوناگون مسلمانان همواره در همگرایی جهان اسلام تأثیرگذار بوده است.

برپایی نماز و نماز جمعه

برپایی نماز جمعه، که به عنوان واجب الهی برای مسلمانان بود، از ارکان مهم دعوت‌های پیامبر ﷺ محسوب می‌شد. نماز جمعه علاوه بر جنبه‌ی عبادی آن، یک تشکل سیاسی و اجتماعی نیز محسوب می‌شود. باید اذعان کرد که جایگاه مسجد و نماز جمعه تنها یک عمل ساده و اقدام معمولی پیامبر ﷺ در مدینه نبود، بلکه پایه‌های گسترش، رشد و دفاع از دولت اسلامی بود. همان مسجد و نماز جمعه‌ای که پیروزی‌های بعدی پیامبر ﷺ و مسلمانان از آن سرچشمه می‌گرفت و بعدها در ایجاد تمدن اسلامی نقش مهمی داشت.

تشکیل دولت

پیامبر ﷺ دولتی ایجاد نمود، زیرا:

۱) به هفده نفر مسؤولیت‌های مختلف واگذار نمود و در واقع کابینه‌ای هفده نفره تشکیل داد. به طور مثال علی رضی الله عنه مسؤول صلحنامه‌ها و عهدنامه‌ها بود، عبدالله بن ارقم عقود و معاملات مردم را ثبت می‌نمود، برخی زکوات را جمع می‌کردند، برخی مسؤول غنایم بودند، برخی بیت‌المال برعهده‌ی آنها بود، برخی مسؤولیت قضاوت داشتند و برخی به امور تعلیم و تربیت کودکان می‌پرداختند (العقاد، ۱۹۷۶، ۶۴ به بعد).

۲) با پیمان‌ها و قراردادهای بین مسلمانان و نیز مسلمانان با یهود و قبایل دیگر. تکیه بر پیمان در حرکت پیامبر ﷺ قابل تأمل است؛ پیمان اول مدینه، پیمان دوم مدینه، پیمان برادری، پیمان وحدت در مدینه، پیمان با قبایل عرب (قبل از جنگ یا بعد از جنگ) که نشانه‌ی قاعده‌مند بودن و قانون‌گرایی اسلام و پیامبر ﷺ بود.

۳) اعلام حرم بودن مدینه، عملاً یک دولت شهر را تشکیل داده بودند.

علی رضی الله عنه قراردادها را می‌نوشت. نخستین پیمان پس از ورود پیامبر ﷺ به یثرب منعقد شد. بخش کوتاهی از پیمان نامه‌ی مفصل پیامبر ﷺ، چنین است:

این نوشته‌ای است از محمد صلی الله علیه و آله بین مؤمنان و مسلمانان از قریش و یثرب با

یهودیان.

- الف - مسلمانان و یهودیان مانند یک امت در مدینه زندگی خواهند کرد.
- ب - مسلمانان و یهودیان در انجام مراسم دینی خود آزاد خواهند بود.
- ج - در هنگام جنگ هر کدام دیگری را بر علیه دشمن یاری خواهد کرد، به شرطی که متجاوز نباشد.
- د - هرگاه مدینه مورد حمله‌ی دشمن قرار گرفت، همه با هم از مدینه دفاع می‌کنند.
- ه - قرارداد صلح با دشمن با مشورت طرفین انجام می‌گیرد.
- و - اگر در بین مسلمانان و یهودیان اختلافی پیش آید، مرجع حل آن خدا و رسول خدا هستند.
- ز - هیچ مشرکی از مردم یثرب حق امان دادن مالی و جانی به قریش را ندارد.
- ح - تجارت با قریش و کمک به آنها نباید صورت بگیرد.
- ط - مدینه برای امضاکنندگان این پیمان حرم شمرده می‌شود (سیره‌النبی ۱، ۱۴۰۹ هـ، ۴۸۰ تا ۴۸۴).

بررسی و تحلیل پیمان نامه‌ی مدینه

این پیمان نامه اولین قانون اساسی مکتوب (حمیدالله، ۱۳۶۳، ۳۷۰) جهان نامیده شده است و بعضی آن را مبنای جامعه‌ی مدنی اسلامی دانسته‌اند؛ از جمله در موضوع تساوی دیه بین مسلمانان و اهل کتاب به آن استناد کرده‌اند^۱. هدف پیمان، تعیین حقوق و وظایف گروه‌ها و شهروندان مدینه با توجه به اختلاف بالقوه میان گروه‌های مختلف و تعیین وضعیت مهاجران و ایجاد سازمان سیاسی نوین و مقدمات لازم برای آرامش بود.

الف - پیمان وحدت مسلمانان و اعلام موجودیت امت (یعنی جامعه‌ی متشکل بر محور عقیده) بود.

ب - پیمان دفاع از مدینه بود.

ج - چون پیمان قبیله‌ای مهم‌ترین پیوند اجتماعی زمان بود و همه قبایل نیز آن

را امضا کردند، پیمان محکم اجتماعی بود (بعدها به دلیل نقض پیمان توسط یهودیان بر اساس این پیمان، با آنها برخورد قانونی شد).

پیامبر ﷺ با استفاده از مهم ترین و قوی ترین سنت اجتماعی قوم عرب، که پیمان قبیله‌ای بود، قبایل گوناگون عرب را به یکدیگر پیوند می‌دهد و وحدت می‌بخشد، ولی محور پیمان، دیگر مسایل قبیله‌ای و نژادی نیست، بلکه فکری و عقیدتی است.

د - در این پیمان وحدت عقیدتی - سیاسی جای وحدت قومی و قبیله‌ای را گرفت.

ه - در این پیمان حقوق مسلمانان و یهودیان مساوی در نظر گرفته شد و مشرکان دارای حقوق خاص خود بودند.

و - اصطلاح حرم برای مدینه، از نظر فقهی جایی است که مورد احترام است و نباید به کسی آسیب رساند؛ حتی به حیوانات و درختان. از نظر سیاسی به معنای حدود یک دولت مستقل است (دولت شهر).

ز - این پیمان نامه اولین قانون اساسی جامع حکومتی است که مورد بررسی محققان قرار گرفته است و دارای حدود ۵۰ ماده‌ی قانونی می‌باشد. این پیمان خود نشان دهنده‌ی ایجاد دولتی به رهبری پیامبر ﷺ بود.

پیامبر ﷺ با این پیمان نامه یک نظام سیاسی قدرت‌مند بر اساس حاکمیت اسلام در شبه جزیره ایجاد نمود.

پیمان برادری بین مسلمانان

علاوه بر پیمان فوق پیمان دیگری، پیمان اول را بین مسلمانان محکم‌تر نمود و آن پیمان برادری مهاجرین و انصار بود، که هشت ماه بعد از هجرت انجام شد (سیره‌النبی ۱، ۱۴۰۹ هـ، ۴۸۵). البته در دوره‌ی مکه نیز پیمان برادری بین مسلمانان بسته شده بود. مهاجرین مسلمانان هجرت‌کننده در راه خدا و مکی بودند که از قبایل گوناگون و از سرزمین شرک به سوی سرزمینی که در اختیار

مسلمانان بود هجرت نمودند و انصار «یاری کنندگان» دین خدا و در مدینه ساکن بودند. انتخاب این نام‌ها نیز نشانه‌ی آن است که اسلام پیوند دینی و عقیدتی را برتر از هر پیوندی، از جمله پیوند قبیله‌ای، می‌داند و این پیمان برادری یک پیوند درونی بر اساس ایمان بین مهاجرین و انصار و عامل انسجام دولت پیامبر ﷺ بود. طبقات و گروه‌های اجتماعی در قرآن، عمدتاً، جنبه‌ی عقیدتی دارد نه جنبه‌ی اقتصادی. این پیمان بعدها مورد استفاده‌ی مهاجرین و انصار حتی در جنگ‌ها بود که یکی از دو برادر به جبهه می‌آمد و دیگری سرپرستی خانواده‌ی او را به عهده داشت. این پیمان انگیزه‌های قبیله‌ای را کم‌رنگ نمود و نادیده گرفت.

در این پیمان برادری، پیامبر ﷺ تنها، علی رضی الله عنه را به برادری برگزید، در حالی که هر دو از مهاجرین بودند. این در حالی است که میان انصار چهره‌های برجسته‌ای همچون سعد بن معاذ بود و لاقل پیامبر ﷺ می‌توانست یک برادر از انصار و یک برادر از مهاجرین را انتخاب کند، ولی انتخاب علی رضی الله عنه اشاره‌ای به رهبری آینده داشت. داستان زیر عمق برادری ایمانی را نشان می‌دهد: «برادر مصعب بن عمیر در جنگ بدر اسیر یک انصاری شد. مصعب از کنار برادر گذشت و به آن انصاری گفت: اسیر را نگهدار که مادری توانگر دارد و شاید او را باز خرد. برادر مصعب گفت ای برادر سفارشت در مورد من همین است؟ مصعب گفت: برادر من این مرد انصاری است نه تو». این پیمان برادری بعدها بین مسلمانان ادامه یافت.

۴) تعیین جانشین در صورت خروج از مدینه برای جنگ یا هر کار دیگر، یک حرکت سیاسی و حکومتی است.

۵) در مدینه پس از حکم اذان و حکم نماز جمعه احکام مربوط به جهاد دفاعی نیز مطرح شد (یعقوبی، ۱، ۱۳۶۳، ۴۰۱ و ۴۰۳)، که خود عامل پیشرفت اسلام بود و غزوات و سرایا از این پس آغاز شد و احکام معاملات، پرداخت مالیات (زکات) و سایر احکام اجتماعی و سیاسی به تدریج اعلام شد که خود جهت

اداره‌ی حکومت نوپای اسلام ضروری بود.

۶) پیامبر ﷺ دستور دادند تاریخ رسیدن به مدینه که اول ربیع الاول بود ثبت شود. بیان پیامبر ﷺ در ثبت تاریخ کلی بود و بعدها علی رضی الله عنه به خلیفه‌ی دوم آغاز هجرت را در مورد مبدأ تاریخ مسلمانان پیشنهاد داد که نشانه درک عمیق امام از بیان پیامبر ﷺ می‌باشد.

۷) جنگ‌های پیامبر ﷺ و مسلمانان در دفاع از دولت اسلامی تشکیل شده، اساساً جنبه‌ی دفاعی داشت. پیامبر ﷺ سعی می‌نمود تنها با کسانی که قصد توطئه و براندازی اسلام و حکومت اسلامی را داشتند جنگ نماید و در اواخر، سرایای پیامبر ﷺ جنبه‌ی تبلیغی داشت و به همین دلیل پس از فتح مکه ده‌ها هیأت نمایندگی از سراسر جزیره‌العرب برای قبول اسلام و قرارداد با پیامبر ﷺ راهی مدینه شدند.

موارد فوق نشان می‌دهد از نظر پیامبر ﷺ بین دین و سیاست و حکومت جدایی نیست.

منافقان و یهودیان پس از پیمان مدینه

عبدالله ابن ابی، که مقدمات ریاست او بر شهر یثرب آماده شده بود، با آمدن پیامبر ﷺ موقعیت خود را از دست داد. او اگرچه به ظاهر مسلمان شد، ولی در پنهان توطئه می‌کرد و یهود را علیه اسلام تحریک می‌نمود. نخستین آیات مدنی او را منافق خواند و رهبری منافقین با او بود. افرادی از اوس و خزرج نیز اگرچه به ظاهر مسلمان شدند اما به مسجد می‌آمدند و مسلمانان و دین آنها را مسخره می‌کردند، تا این که پیامبر ﷺ دستور اخراج آنها از مسجد را داد (سیره‌النبی، ۱، ۱۴۰۹ هـ، ۵۰۰). منافقان نه شجاعت کافران را در مخالفت دارند و نه ایمان مومنان را و بیشتر از دین و مذهب علیه دین و مذهب استفاده می‌کنند. حتی پس از فتح مکه آنها مسجدی ساختند که مرکز توطئه‌هایشان باشد و مسجد ضرار نام گرفت و پیامبر ﷺ دستور تخریب آن را دادند. یهودیان به پیمان شکنی و توطئه

و همکاری با دشمنان اسلام دست زدند و پنج جنگ مهم به واسطه‌ی توطئه‌های یهود، در مراحل گوناگون، پیش آمد. البته بعضی از یهودیان و علمای آنها مسلمان شدند و حتی در راه اسلام شهید گشتند.

شبهه‌ی برخورد پیامبر ﷺ در دوران مدینه

۱) پیامبر ﷺ قبل از فرمان هجرت به مدینه و آغاز پذیرش دعوت تنی چند از مردم مدینه، با شبهه‌ی گفتگو، آموزش و استدلال عقلانی با آنها مواجه می‌شد. به طور مثال مصعب بن عمیر را برای آموزش مسلمانان و تبلیغ دین، به مدینه اعزام نمود.

۲) پیامبر ﷺ در دوران مدینه تا صلح حدیبیه و سپس فتح مکه در برخورد با دشمنان خود اساساً موضع دفاعی داشت، ولی پس از اطلاع از توطئه‌ی دشمن پیش‌دستی می‌نمود. مقابله‌ی نظامی تنها با افراد و قبایلی بود که نه تنها پیام‌های فطری اسلام را نمی‌پذیرفتند، بلکه عامل درگیری با مسلمانان و تحریک سایر قبایل در برخورد با اسلام بودند و بیشتر از تاکتیک‌های زیر استفاده می‌شد:

الف - اعراب در دل دشمنان؛ سیره نویسان معتقدند در مدینه، به ویژه پس از فتح مکه، بسیاری با مشاهده‌ی قدرت مسلمانان از ترس تسلیم شدند، و قرآن، ایمان آوردن اعراب بادیه را ایمان واقعی ندانسته، ولی می‌گویند آنها اسلام آورده و تسلیم شدند (حجرات، ۱۴).

ب - تفرقه بین آنان؛

ج - استفاده از مانورهای نظامی تا رؤسای قبایل را ترسانده و بین آنها و مردم عادی قبیله شکاف ایجاد شود و در نتیجه به دعوت اسلام پاسخ مثبت داده و هدایت شوند.

۳) رفتار انسانی با اسرا داشت. اسارت به نوعی شکستن گروه مخالف و خنثی شدن مقاومت قبیله‌ای بود، و رفتار محبت آمیز در چنین شرایطی موجب اصلاح سریع تر اسیران می‌شد. در دوران اسارت مشرکان، مسلمانان گاه غذا نمی‌خوردند

ولی به اسیرشان غذا می‌دادند. البته تاکتیک‌های پیامبر ﷺ در جنگ چنان بود که کم‌ترین انسان‌ها کشته شوند.

۴) نیروهای خودی را با انگیزه‌ی الهی و ایمان تقویت می‌نمود، به گونه‌ای که شهادت را فوز عظیم می‌دانستند و نیز از طریق مشورت با آنها احساس شخصیت و اعتماد و خودباوری بیشتری به آنها می‌داد.

۵) پیامبر ﷺ در دوران مدینه، پس از صلح حدیبیه و عمدتاً پس از فتح مکه، روش بخشش و گذشت را سرلوحه‌ی کار خود قرار داد و برای جلب قلوب مخالفان از طرق مختلف استفاده می‌کرد و کم‌تر به شیوه‌ی نظامی متوسل می‌شد، مگر آن که دشمن قصد حمله داشت.

همان‌طور که بعضی از محققین سیره‌ی پیامبر ﷺ نوشته‌اند:

محمد ﷺ هر چه به اوج قدرت و پیروزی بالاتر می‌رفت متواضع‌تر و مهربان‌تر می‌شد و این یکی از برجسته‌ترین خصایل او بود. پس از اعلام عفو و آزادی عمومی (در مکه) غالب کسانی را که به علت خیانت‌های نابخشدنی استثنا کرده بود، به بهانه‌های کوچکی بخشید (محمد خاتم پیامبران، ۳۲۰).

در سال ششم، مردم حجاز به قحطی و خشک‌سالی گرفتار شدند. پیامبر ﷺ مقداری طلا را به وسیله‌ی سران آنها به بینوایان قریش رساند. این حرکت در جذب قلوب محرومین به اسلام اثر مثبتی داشت، به طوری که در فاصله‌ی صلح حدیبیه تا فتح مکه، گروه‌گروه مسلمان می‌شدند و نیز در جنگ حنین پیامبر ﷺ زمین‌های آزادی شش هزار اسیر را فراهم نمود و غنائم به دست آمده را بین تازه مسلمانان مکه، از جمله ابوسفیان و فرزندانش، تقسیم کرد و به انصار و مهاجرین چیزی نداد.

مرحله‌ی ششم: حرکت جهانی و دعوت جهانی پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ پس از فراغت از شبه جزیره، دعوت جهانی را شروع نمود.

الف - آغاز آن پس از صلح حدیبیه، در سال ششم هجری، و فتح خیبر، در سال هفتم هجری بود، ولی عمدتاً پس از فتح مکه در سال هشتم هجری و تثبیت اسلام در سراسر جزیره العرب آغاز شد.

ب - نامه‌های پیامبر ﷺ به دو ابر قدرت زمان و سران کشورهای دیگر و دعوت آنها به اسلام در این زمان است و حدود ۱۸۵ نامه و عهدنامه برای دعوت به اسلام نوشته شد. نامه به پادشاهان و بزرگان قبایل بوده است (الاحمدی، ۱۳۶۳، ۱۱ تا ۱۸۲ و ابن سعد ۱، ۱۳۷۶، ۲۵۸ تا ۲۹۰).

ج - در این دوران در داخل شبه جزیره، اعزام گروه‌های عقیدتی و تبلیغی به جای گروه‌های نظامی قرار گرفت.

د - پس از نامه‌ها و اتمام حجت، که از طریق اعزام گروه‌های تبلیغی صورت گرفت، مانند اعزام سعد بن معاذ و علی رضی الله عنه به یمن، دستور داده بود، «لا تقاتل حتی تدعوهم الی الاسلام» با آنها نجنگید، مگر آن که آنها را به اسلام دعوت نمایید. پیامبر ﷺ عملیات نظامی را متوجه خارج از منطقه‌ی جزیره العرب نمود و ابتدا از دشمن مهم‌تر (روم) شروع کرد. مثل جنگ موته، تبوک و جیش اسامه، و سپس متوجه متصرفات ایران شد. جانشینان پیامبر ﷺ همین سیاست را کم و بیش دنبال کردند، به طوری که پس از سه سال از رحلت پیامبر ﷺ و ۲۵ سال از نهضت اسلام، بخش‌هایی از ایران و بخشی از متصرفات روم فتح شد و مدتی بعد مصر و یمن به تصرف مسلمانان در آمد و بعدها شمال آفریقا، بخشی از اروپا و تا اندونزی در محدوده‌ی امپراطوری و تمدن اسلام قرار گرفت.

ه - سال نهم یک سال پس از فتح مکه و حاکمیت پیامبر ﷺ بر بخش‌های مهم حجاز بسیاری قبایل با اعزام هیأت‌های نمایندگی به مدینه اسلام آوردند و اکثر شبه جزیره زیر پرچم اسلام قرار گرفت و به همین علت آن را «سنه الوفود» می‌نامند، که بنابر آمار کتب تاریخ و سیره، حدود ۷۲ وفد برای اظهار اسلام قبایل خود به حضور رسول اکرم ﷺ مشرف شدند^۲ و پیامبر ﷺ با سخنان محبت آمیز آنان را مورد لطف و محبت قرار می‌داد. آنها چند روزی در مدینه

می‌ماندند تا با نماز و قرآن آشنا شوند و سپس، سرپرستی از میان خودشان و یا یکی از اصحاب به محل زندگی خود بر می‌گشتند.

و - در پایان سال نهم پیامبر ﷺ ابوبکر را به عنوان امیرالحاج رهسپار مکه نمود و هنوز مشرکان به عادت خود به حج می‌آمدند و مسلمانان به همراه ابوبکر به حج آمدند، پیامبر ﷺ پس از نزول «براث» آن را به ابوبکر داد و سپس به او پیغام داد که فرمان را به علی رضی الله عنه واگذار نماید (ابن هشام ۴، ۱۴۰۹ هـ، ۱۹۱-۱۸۱). در چگونگی این حادثه اختلاف نظر وجود دارد.

ز - در این دوران و آخرین سال آن (سال دهم) تعیین رهبری آینده‌ی نهضت توسط پیامبر ﷺ در غدیر خم انجام شد. هیچ نهضت اجتماعی وجود ندارد که نسبت به رهبری آینده سکوت کرده باشد، چگونه پیامبر ﷺ، که عظیم‌ترین نهضت جهانی را ایجاد کرده‌است، سکوت کرده باشد. روایات معتبره بر ولایت و رهبری امام علی رضی الله عنه دلالت دارد که مهم‌ترین آن حدیث غدیر می‌باشد. پیامبر ﷺ در سال دهم هجرت و در حجة الوداع و در حادثه‌ی غدیر، به صراحت، رهبری آینده را مشخص نمود، ولی قبل از آن بارها به طور غیرمستقیم مطالبی فرموده بود.

ح - برپایی حج که فشرده‌ی همه‌ی اسلام و آرمان‌های آن و عامل حفظ وحدت جهان اسلام و ارتباط مسلمانان و گسترش فرهنگ اسلامی در ملل گوناگون اسلامی است و هویت و شخصیت مسلمانان در آن متبلور است، بالباسی واحد و صرف‌نظر از رنگ، نژاد، ملیت و زبان، نه تنها بزرگ‌ترین حرکت عبادی - سیاسی است، بلکه تئوری حکومت جهانی واحد اسلامی را در عمل نشان می‌دهد. حج به راستی راهبردی از دعوت جهانی اسلام و از نمادهای بزرگ آن می‌باشد.

رابطه‌ی قرآن با مراحل دعوت پیامبر ﷺ

قرآن علاوه بر جنبه‌ی اعجاز و تأثیر فوق‌العاده آن در میان عرب‌ها و سایر

ملت‌ها، ویژگی‌های چندی را داراست:

۱) ویژگی‌های موضوع‌گیری پیامبر ﷺ در دوره‌ی مکه مانند ویژگی‌های سوره‌های مکی قرآن است که تکیه بر اصول اعتقادی دارد. این دوره، دوره‌ی فردسازی است که خود مرحله‌ی مهم یک انقلاب محسوب می‌شود. موضوع‌گیری پیامبر ﷺ در مدینه مانند آیات مدنی است. دوره‌ی مدینه دوره‌ی جامعه‌سازی است. در سوره‌های بلند بیشتر جزئیات احکام زکات، جهاد، قوانین اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و سیاسی آورده شده است.

۲) مراحل دعوت پیامبر ﷺ، نیز بر طبق نزول تدریجی قرآن است و این مراحل رشد یک نهضت الهی است و الگو برای انقلاب‌های اسلامی آخر الزمان است که از طریق مطالعه‌ی تاریخ اسلام، می‌توان خط سیر حرکت‌های اسلامی پیامبر ﷺ را ترسیم کرد.

۳) زندگی پیامبر ﷺ و مسلمانان و فراز و نشیب‌های آن با نزول تدریجی قرآن مناسبت دارد. به عبارت دیگر قرآن تئوری و زندگی پیامبر ﷺ و حوادث صدر اسلام عمل آن بود. تئوری با عمل بهتر شناخته می‌شود. تئوری بدون عمل نوعی ذهن‌گرایی است و عمل بدون تئوری و قانون‌مندی، کامل و جامع نیست و قابلیت تفسیرهای متفاوت و تئوری‌های گوناگون را دارا می‌باشد.

۴) پیامبر ﷺ در زمینه‌های گوناگون، از جمله اجتماعی، به تدریج و بر طبق نزول قرآن قوانین را اجرا می‌نمود و مسلمانان به تدریج آماده‌ی تحولات جدید می‌شدند و آمادگی پذیرش آنها بالاتر می‌رفت.

رویکردهای فوق برای جوامع اسلامی قابل بهره‌گیری است و به همین دلیل نیاز به تنظیم قرآن بر مبنای نزول تدریجی آن است و باید شیوه‌های هدایتی تدریجی و اجرای تدریجی احکام عملی را استخراج نمود به طور نمونه تا اجرای تحریم شراب چهار مرحله در فاصله زمانی تقریباً ۶ ساله طی شد.

نتیجه‌گیری

دعوت پیامبر، با برنامه‌ای مدون در شش مرحله صورت گرفته که به تناسب نزول تدریجی آیات، مراحل دعوت، تنظیم می‌گردیده‌اند.

مرحله‌ی اول: خودسازی و ایجاد تکامل روحی است.

مرحله‌ی دوم: دعوت پنهانی سه ساله در خانه ارقم بن ابی ارقم، که هسته‌ی اولیه را تشکیل می‌دهد.

مرحله‌ی سوم: دعوت خویشاوندان که به دعوت اهل مکه نیز موسوم است.

مرحله‌ی چهارم: دعوت جزیره‌العرب، که به طائف هم در همین راستا سفر می‌کند.

مرحله‌ی پنجم: تکامل دعوت است و در مدینه، پس از هجرت روی می‌دهد.

مرحله‌ی ششم: بلوغ نهایی دعوت نبوی است که با اعلام جهاد و حرکت جهادی پیامبر ﷺ همگام است. در همین مرحله، رهبری آینده نیز مشخص می‌گردد.

آموزه‌ی مهمی که از این حرکت پیامبر به دست می‌آید، این است که دعوت به حق، باید تدریجی، پیگیر همگام با تکامل عقول و اندیشه‌ها و در سطوح تکامل‌یاب صورت گیرد. ایستایی در حرکت دعوت هرگز با عمق رسالت پیامبر سازگاری و انطباق ندارد و در پرتو آن است که تکامل خردها، ایمان‌ها و عقیده‌ها رخ می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

(۱) ر.ک. به: معرفت. محمد هادی، جامعه مدنی.

(۲) ر.ک. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۲۸-۳۵۹. سیرة‌النبی ج ۴، ص ۲۰۵ به بعد.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) نهج البلاغه.
- ۳) آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۶۲)، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه.
- ۴) ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۷۹)، شرح نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- ۵) ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد (۱۳۶۱)، سیرت رسول الله (سیره‌ی انبیا به روایت ابن هشام)، تهران، انتشارات خوارزمی.
- ۶) ابن سعد (۱۳۷۶)، الطبقات الکبری، لبنان، بیروت، دار صادر، ج ۱.
- ۷) ابن هشام (۱۴۰۹ هـ)، السیره النبویه (سیره‌ی انبیا، چهار جلدی)، بیروت، دار الكتاب العربیه، ج ۴.
- ۸) احمد بن ابی یعقوب (۱۳۶۳)، تاریخ یعقوبی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
- ۹) الاحمدی، علی (۱۳۶۳)، مکاتیب الرسول، قم، نشر یس، ج ۱.
- ۱۰) العقاد، عباس محمود (۱۹۷۶)، عبقریه محمد ﷺ، مصر.
- ۱۱) بحرانی، سید هاشم (بی تا)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، ج ۱.
- ۱۲) جمعی از نویسندگان (۱۳۶۳)، محمد خاتم پیامبران، تهران، حسینیه ارشاد، ج ۱.
- ۱۳) حجتی، سید محمد باقر (۱۳۷۱)، سیری در سیره نویسی، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضاعلی (ع).
- ۱۴) حمیدالله، محمد (۱۳۶۳)، رسول اکرم در میدان جنگ، ترجمه‌ی سید غلامرضا سعیدی، تهران، کانون انتشارات محمدی.
- ۱۵) شریعتی، محمد تقی (۱۳۷۶)، فایده و لزوم دین، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۶) طباطبایی، محمد حسین (بی تا)، المیزان، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی.

۱۷) طباطبایی، محمد حسین (بی تا)، قرآن در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۸) طبرسی، الفضل بن حسن (بی تا)، مجمع البیان، مکتبه العلمیه الاسلامیه.

۱۹) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۰۶ هـ)، تفسیر طبری (جامع البیان)، بیروت، دارالمعرفه، ج ۱۹.

۲۰) مفید، شیخ محمد النعمان (۱۳۷۷ هـ)، الارشاد، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی